



قال الله تبارک و تعالی:

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا﴾

سوره مبارکه شمس، آیه ۹

امام خامنه‌ای مدظله العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی،
وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

هر حالتی نشانگر حرکت در سیر الی الله نیست

شناسنامه مطلب	
t-196	کد مطلب
تزکیه‌ای/تقوای عمومی/اصلاح اندیشه/آشنایی با مسیر/ویژگی‌های مسیر	رده
ریاضت، مسیر توحیدی، اصلاح اندیشه، تزکیه نفس، عرفانهای کاذب	برچسب
	توضیحات

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی **نُمو**

nomov.ir

نقش ریاضت های نفس در مسیر توحیدی تربیت نفس و عرفان های کاذب متفاوت است. از آنجا که در عرفان های کاذب یا دیگر روش ها بحث ریاضت های نفس مطرح می شود، ضروری است که در این باره بحث کنیم.

در عرفان نظری انسان زود می تواند متوجه باشد که این انباشته های ذهنی من، منیت انسانی را بزرگتر کرده و تربیت او را سخت تر می کند. فهم این مطلب خیلی راحت است و با مختصر تذکر، انسان متوجه می شود. اما درک تفاوت بین ریاضت نفس با سیر عملی توحیدی، بسیار بسیار مشکل است.

یک شخصی خودسرانه از کتب ادعیه، دستورالعمل های بزرگان، از روایات، چیزهایی یاد می گیرد و براساس ذهن و روش خودش، ریاضتهای سختی را به خودش بار می کند. مثلاً هزار مرتبه فلان ذکر را هر روز می گوید یا ده هزار مرتبه ذکر دیگری را مشغول می شود یا ... تا اینکه ختم هایی را تمام کند، و بعد می گوید: من این دستورالعمل ها را خواندم، انجام دادم، چله گرفتم و نتیجه هم گرفتم. در خواب فلان چیزها را دیدم، در خواب بهشت را دیدم، جای من را آنجا نشان دادند. در بیداری این چیزها را فهمیدم و رسیدم. این شخص درست می گوید و به همین شکل است. این ختم و ختومات این نتایج را خواهد داد. اما نتایجی که این بزرگوار می گیرد حاصل ریاضت نفس است، نه نتیجه سیر الی الله. و این تشخیص بسیار بسیار سخت است.

می گوید بهشت را در عالم رویا برای من نشان دادند؛ از میوه هایش خوردم الان هم لذتش ادامه دارد، این مطلب درست است. اما خداوند متعال نفس را طوری آفریده که اگر ما نفس را در هر کدام از این مسیرهای ریاضت قرار داده و تمرکز دهیم و در آن راستا تربیت بکنیم، اثرات ریاضت در نفس پیدا می شود.

انسان به این آثار خشنود است، از همین ها لذت می برد و احساس پیشرفت می کند. و بدون این که خودش متوجه باشد آن نفسی که در راستای توحید باید تربیت بشود، یک جور دیگری چاق و پوست کلفت می شود. امور نفسانی این قدر لطیف و شفاف است که به راحتی نمی توان تشخیص داد، که این نفس از خداوند دورتر می شود. در مسیر توحیدی باید نفس طوری تربیت شود که فقط برای خدا بتواند حرکت کند تا اینکه به خدای خودش برسد.

امیر المؤمنین علیه السلام شش معنا برای استغفار می‌شمارند و در معنای پنجم می‌فرمایند: **الْخَامِسُ أَنْ تَعْمَدَ إِلَى اللَّحْمِ الَّذِي نَبَتَ عَلَى السُّحْتِ فَتَذِيْبُهُ بِالْأَحْزَانِ حَتَّى تُلْصِقَ الْجِلْدَ بِالْعَظْمِ وَ يَنْشَأَ بَيْنَهُمَا لَحْمٌ جَدِيدٌ**^۱ (گوشتی که از حرام بر اندامت روییده، با اندوه فراوان آب کنی، چنانکه پوست به استخوان چسبیده و گوشت تازه برآید) از گناهات آن طوری استغفار کنید که گوشتتان بریزد، پوستتان به استخوانتان بچسبد. اگر کسی اهل فن و متخصص در این امور نباشد این حدیث را می‌خواند و طبق برداشت خود ماهها بلکه سالها روزه می‌گیرد و مصیبت‌هایی به سرش می‌آورد که می‌خواهم گوشت‌هایم بریزد. می‌خواهم پوستم به استخوان بچسبد تا گناهانم آمرزیده شود. در حالیکه معنای روایت این نیست و اینکه انسان پوستش به استخوانش بچسبد مراد آن "من" نفسانی است. عواملی که این من را می‌خواهد چاق و فربه بکند، گوشت آنرا بریزد و لاغرش بکند تا اینکه برای سیر الی الله قابلیت پیدا بکند. انسان وقتی آن "من" را چاق می‌کند به همه چیز می‌رسد اما به خدا نمی‌تواند برسد. چه بسا به بهشت هم برسد. امکان دارد در خواب ائمه علیهم السلام را ببیند ولی اینها دلیل بر رسیدن به خدا نیست. ما حتی ائمه علیهم السلام را هم بنا باشد در خواب ببینیم بایستی تحت ولایت خدا باشد. اگر تحت ولایت خدا نباشد این مسیر ریاضت نفس است.

یک فردی که کافر است اگر ریاضت بکشد و اراده‌ی خودش را تربیت و تقویت کند، می‌تواند امواج روح خودش را طوری تمرکز بدهد که یک قطار را با یک نگاه نگه دارد و خدا در نفس انسان این قدرت را داده است و ریاضت، اثرش را خواهد داد. کسی که رمزی از ابعاد نفس انسان را پیدا کرد به راحتی می‌تواند دیگران را - مخصوصاً جوانهایی را که در اوج احساسات خودشان بوده و به دنبال لذت‌های بالاتر هستند - در انحراف بیندازد. وقتی می‌بیند که با مختصر زحمتی، با یک ذکر، با یک اراده‌ای، قدرتی در خودش احساس می‌کند، همه همت خود را برای رسیدن به این قرار می‌دهد. اگر کسی اراده‌ی خودش را در این مسیر قرار بدهد، نفس را این قدر پاک بکند که ائمه علیهم السلام را در خواب ببیند این ریاضت، اثر خواهد داد. اما ظرافت بسیار دقیق اینجاست که به خدا برسد و ائمه علیهم السلام را تحت ولایت خدا ببیند.

^۱ نهج البلاغة (للصبحی صالح)؛ ص ۵۴۹

سوالی ممکن است به ذهن بیاید که آیا می‌شود انسان ائمه را ببیند اما مربوط به خدا نباشد؟ ما نظایر این را در کلمات معصومین علیهم السلام می‌بینیم. مولا علی علیه السلام - می‌فرمایند رَبِّ عَالَمٍ قَتَلَهُ عِلْمُهُ^۱ (چه بسیار عالم و دانشمندی که علمش خودش را کشته است) آقا مگر علم انسان را می‌کشد؟ مولا علی علیه السلام می‌فرمایند: بله می‌کشد. پیامبر اکرم صلوات الله و سلامه علیه می‌فرمایند: رَبِّ تَالِ الْقُرْآنِ وَ الْقُرْآنُ يَلْعَنُهُ^۲ (چه افرادی که قرآن می‌خوانند در حالیکه قرآن او را لعنت می‌کند) آقا مگر آدم قرآن بخواند قرآن او را لعنت می‌کند؟ این را خود حضرت می‌فرمایند. پس امکان دارد انسان در خواب امیر المؤمنین علیه السلام را ببیند، اما مربوط به سیر الی الله نباشد. اگر بنای دیدن علی علیه السلام در خواب باشد، بعضی از اصحاب با حضرت بودند و عاقبتشان بد شد.

اگر مسیر حرکت ریاضت نفس، در راستای تزکیه‌ی نفس باشد تا به خدا برسد و در این راستا ولایت علی علیه السلام را ببیند، خوب است. اگر هیکل مبارکشان را هم انسان مشاهده کرد نور علی، نور خواهد بود. اما نکته‌ی دقیق مطلب این جاست، که ببینیم آیا این ریاضت‌ها ما را به خدا می‌رساند؟ سیر الی الله است؟ یا اینکه در دل دنبال آثار ریاضت نفسمان هستیم؟ اعمال خود سرانه، بجز گرفتار شدن در چاله های نفس فایده‌ی دیگری نخواهد داشت؛ چون خود نفس را بدون این که ما متوجه باشیم، بزرگ خواهد کرد و کار مشکل تر خواهد شد.

مهم این است که معنای این آیه « قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ »^۳ (جز آنچه خدا بخواهد، برای خودم اختیار سود و زیانی ندارم) انسان بفهمد که من مالک هیچ نفع و ضری برای خودم نیستم. اگر به این برسیم مشکل حل خواهد شد. همین که من احساس می‌کنم با یک ذکری یک مرده‌ای را زنده کردم این مربوط به سیر الی الله نیست. با یک ذکری یک ورشکسته‌ای را ثروتمند کردم، این مربوط به سیر الی الله نیست. این اثر ریاضت نفس است. الان عرفان‌های کاذب از همین روش استفاده می‌کنند.

^۱ عیون الحکم و المواعظ (للینی)؛ ص ۲۶۶

^۲ جامع الأخبار (للشعیری)؛ ص ۴۸

^۳ سوره مبارکه اعراف، آیه ۱۸۸

در بحث های تربیتی هم ریاضت هست اما ریاضتی که بر اساس کتاب و سنت است، بر اساس قوانین تزکیه‌ی نفس است و این ما را به خدایی می‌رساند که از راه اهل بیت علیهم السلام است، به خدایی می‌رساند که از راه نبوت هست. به خدایی می‌رساند که از راه کلام خود خداست، آن خدا غیر آن خدایی است که انسان از راه تمرکز ذهن، مریضی روانی و ... دنبالش است.

پایگاه ندای پاک فطرت